



The University of Tehran Press

Universal Jurisdiction of Iranian Courts in International Criminal Law

Seyed Hossein Mirjafari¹ | Shahram Zarneshan^{2✉} | Samaneh Rahmatifar³

1. PhD student in Public International Law, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran. Email: S.m116@yahoo.com
2. Corresponding Author; Associate Professor, Department of Law Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: Szarneshan@yahoo.com
3. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. Email: S.rahmatifar@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 1653-1675</p> <hr/> <p>Received: 2019/10/03 Received in revised form: 2021/05/19 Accepted: 2021/06/27 Published online: 2023/09/23</p> <hr/> <p>Keywords: <i>universal jurisdiction, Iranian courts, international criminal law, international crimes bill.</i></p>	<p>The principle of universal jurisdiction, applied in international criminal law for many years, can complement international justice as an important mechanism. In addition to complementing the jurisdiction of international criminal courts, universal jurisdiction guarantees the widest jurisdiction for national courts to deal with important international crimes including genocide, crimes against humanity and war crimes, on the premiss that these crimes harm international public order. Three essential steps are needed to implement this principle: the existence of a specific context for universal jurisdiction, a clear definition of crime and its elements, and national law-enforcement procedures that allow national judicial authorities to exercise jurisdiction over these crimes. Therefore, national courts can exercise universal jurisdiction only when the government has enacted legislation which authorizes its application. The main question in the present study is how can Iranian courts exercise universal jurisdiction, and what kind of universal jurisdiction does Iran believe in? The answer can be found in both general (Articles 3 and 9 of the Penal Code) and special laws (such as the Bill on International Crimes). The current study applies a descriptive-analytical approach to investigate the principle of universal jurisdiction, the Islamic Penal Code, and other relevant laws to clarify the universal jurisdiction of the Iranian courts regarding international criminal law.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Mirjafari, Seyed Hossein; Zarshanshan, Shahram; Rahmatifar, Samaneh (2023). Universal Jurisdiction of Iranian Courts in International Criminal Law. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 53 (3), 1653-1675. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.332271.2915</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/JPLSQ.2022.332271.2915</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press.</p>





انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره: ۵۳، شماره: ۳

پاییز ۱۴۰۲

Homepage: <http://jpls.ut.ac.ir>

صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران در حقوق بین‌المللی کیفری

سید حسین میرجعفری^۱ | شهرام زر نشان^۲ | سمانه رحمتی فر^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

رایانامه: S.m116@yahoo.com

۲. نویسنده مسؤل؛ دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

رایانامه: Szarneshan@yahoo.com

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. رایانامه: S.rahmatifar@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۶۷۵-۱۶۵۳</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: حقوق کیفری بین‌المللی، دادگاه‌های ایران، صلاحیت جهانی، لایحه جرائم بین‌المللی.</p>	<p>«اصل صلاحیت جهانی» که سال‌هاست در حقوق کیفری بین‌المللی به کار گرفته می‌شود می‌تواند به‌عنوان سازوکاری مهم، مکمل تحقق عدالت بین‌المللی باشد چراکه علاوه بر تکمیل صلاحیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، وسیع‌ترین دامنه صلاحیتی را برای دادگاه‌های ملی در جهت مقابله با جنایات مهم بین‌المللی مانند نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی، تضمین می‌کند و متهمان آن را با این استناد که چنین جنایاتی به نظم عمومی بین‌المللی آسیب می‌رساند تحت تعقیب قرار دهد اساساً سه مرحله ضروری برای اجرای این اصل نیاز است: وجود یک زمینه خاص برای صلاحیت جهانی، تعریف کاملاً واضح از جنایت و عناصر سازنده آن و روش‌های ملی اجرای قانون که به مراجع قضایی ملی اجازه می‌دهد صلاحیت خود را در مورد این جنایات اعمال کنند بنابراین دادگاه‌های ملی زمانی می‌توانند صلاحیت جهانی را اعمال کنند که دولت مقرراتی را اتخاذ کند و اعمال آن را مجاز بداند از این رو پرسش اساسی در پژوهش حاضر این است که چگونه در پرتو این اصل مهم و سازنده دادگاه‌های ایران می‌توانند از صلاحیت جهانی برخوردار شوند و این کشور معتقد به کدام نوع از انواع صلاحیت‌های جهانی است؟ پاسخ به این پرسش را می‌توان در قوانین عام (مواد ۳ تا ۹ ق.م.ا) و مقررات خاص مانند «لایحه رسیدگی به جرائم بین‌المللی» جستجو کرد بدین ترتیب این پژوهش ضمن مطالعه توصیفی-تحلیلی اصل صلاحیت جهانی، قانون مجازات اسلامی و همچنین سایر مقررات مربوط، صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران در پهنه حقوق کیفری بین‌المللی را بررسی می‌کند.</p>
استناد	میرجعفری، سید حسین؛ زر نشان، شهرام؛ رحمتی فر، سمانه (۱۴۰۲). صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران در حقوق بین‌المللی کیفری. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۳ (۳)، ۱۶۷۵-۱۶۵۳.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.332271.2915
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.332271.2915
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

هر اجتماعی ارزش‌ها، منافع و نظم خاص خود را دارد. اجتماع بین‌المللی، به‌طور خاص و جامعه بین‌الملل، به‌طور عام، نظم عمومی خاص خود یعنی نظم حقوقی بین‌المللی را دارا هستند. این اجتماع همچنین نیازمند سازوکارهای ویژه‌ای برای صیانت از این نظم عمومی است. هدف اصلی حقوق بین‌الملل کیفری صیانت از نظم عمومی بین‌المللی است و برای رسیدن به این هدف، باید به جنایات بین‌المللی واکنش نشان دهد (نژندی‌منش، ۱۳۹۲: ۴۷۹). اجرای اصل صلاحیت جهانی توسط جامعه جهانی، به‌خصوص کشورهای دنیا همان واکنش مناسب، عقلانی و مدرن است، که علاوه بر منفعت داخل، در خدمت منافع جامعه بین‌المللی است و حق دسترسی بشر به عدالت (منافع قربانیان) را تسهیل می‌کند. در نتیجه نقش کشورها و قوانین ماهوی در راستای اجرای اصل صلاحیت جهانی بسیار حائز اهمیت است.

وقتی دولتی خود را برای تعقیب و مجازات جرمی صالح اعلام می‌کند، صلاحیت کیفری خویش را از طریق دادگاه‌ها و قوانین جزایی اعمال می‌کند. صلاحیت قضایی به دادگاه‌ها امکان می‌دهد که وارد رسیدگی شوند، حکم آن را صادر کنند و صلاحیت تقنینی امکان اجرای قوانین جزایی وضع شده توسط دولت مزبور را بدهند. این دو صلاحیت (صلاحیت قضایی و تقنینی) دو روی یک سکه‌اند، به‌نحوی که هریک ملازم دیگری است و از آن به‌عنوان پیوستگی صلاحیت‌های قضایی و تقنینی یاد می‌شود (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۷). در این نوشتار ضمن به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی، در بخش نخست، به‌اختصار اصل صلاحیت جهانی، مبنا، منشأ و جایگاه قانونی آن در جامعه جهانی شرح داده می‌شود و در بخش دوم، ماده ۹ قانون مجازات اسلامی و لایحه «قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم بین‌المللی» و تطبیق آن با عناصر صلاحیت جهانی و نظام قانونی بررسی می‌شود و در نهایت به این پرسش که آیا دادگاه‌ها و مراجع قضایی کیفری جمهوری اسلامی ایران حائز صلاحیت در اجرای اصل صلاحیت جهانی در عرصه حقوق کیفری بین‌المللی است یا خیر، پاسخ داده خواهد شد.

۲. مفهوم شناسی صلاحیت جهانی

۱.۲. تعریف و تاریخچه صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی در معنای کلاسیک «اصلی حقوقی است که کشورها را ملزم می‌کند و اجازه می‌دهد تا بدون در نظر گرفتن محل وقوع جرم و ملیت مرتکب یا قربانی به جرائم و جنایات خاصی رسیدگی کند» (Randall, 2000: 2). این تعریف بر این مفهوم مبتنی است که برخی از جرائم به‌حدی برای منافع بین‌المللی مضر است که کشورها موظف‌اند بدون توجه به محل وقوع جرم، ملیت مرتکب یا مقتول، علیه

مجرم یا مجرمان این پرونده‌ها رسیدگی کنند. صلاحیت جهانی، محاکمه جنایتکاران بین‌المللی توسط هر کس در هر کجای دنیاست (Robinson, 2001: 16).

از نظر تاریخی، صلاحیت جهانی را می‌توان در نوشته‌های دانشمندان اولیه مانند گروسیوس و پیگرد قانونی و مجازات جرم دزدی دریایی جست‌وجو کرد.^۱ به‌اجمال و از دیدگاه صاحب‌نظران حقوق در اروپا، می‌توان سابقه صلاحیت جهانی را در «مگنا کارتا» یا منشور کبیر انگلیس (مصوب ۱۲۱۵ میلادی) جست‌وجو کرد. منشوری که علاوه بر ریشه صلاحیت جهانی به بحث از عدم مصونیت مقامات و رؤسای برتر حکومتی و دولتی پرداخته است. بدون تردید در سده هجدهم میلادی مفهوم اصل صلاحیت جهانی به شکل امروزی مدنظر نبوده و این اصل (با مفهوم کنونی) در میانه قرن نوزدهم میلادی وارد حوزه حقوق بین‌الملل شد. بنابراین این اصل ابتدا در حقوق بین‌الملل عرفی و در مورد دزدی دریایی اعلام شد. هر دولت صلاحیت دستگیری و اجرای عدالت را در مورد افراد مظنون به ارتکاب دزدی دریایی، صرف‌نظر از تابعیت آنها و محل ارتکاب جرم، داشت (کسسه، ۱۳۸۷: ۳۵۸ و ۳۵۹). علی‌رغم موارد بیان‌شده، هرچند اساس صلاحیت جهانی ریشه در عرف دارد، اما توسعه و سرایت آن به دیگر جرائم خطیر بین‌المللی و تدوین آن در معاهدات بین‌المللی، از قرن بیستم میلادی به بعد صورت گرفت (خبیری و همکار، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

۲.۲. اصول، منشأ و ریشه‌های صلاحیت جهانی

اصل صلاحیت جهانی به‌منظور جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مجرمانی پیش‌بینی شده است که اعمال مجرمانه آنها همه جامعه بشری را متأثر ساخته است و هدف این است که چنین بزه‌کارانی در هیچ نقطه‌ای از جهان مأمنی برای مصون ماندن از تعقیب و مجازات نیابند (خالقی، ۱۳۹۳: ۴۱). به‌طور کلی این اصل زمانی استفاده می‌شود که سایر پایگاه‌های سنتی مجازات مجرم در دسترس نیستند، برای مثال متهم یا متهمان یک ملیت در جایی غیر از آن کشور علیه اتباع خود و منافع ملی، جرمی را مرتکب شده، و در دسترس نیستند. برای کاربرد و گسترش صلاحیت جهانی می‌توان دو دلیل و الزام اساسی بیان کرد: اول، جنایت خاص باید با یک قاعده اساسی حقوق بین‌الملل ناسازگار باشد، بنابراین یک قاعده jus cogens را نقض کند؛ دوم، جنایت باید به اندازه کافی جدی باشد تا تهدیدی برای جامعه جهانی باشد. از منظر بین‌المللی (حقوق بین‌الملل)، منشأ صلاحیت جهانی ممکن است معاهده یا عرف باشد (فروغی، ۱۳۸۸: ۲۳). در صورت فقدان معاهده، حقوق عرفی، اصل صلاحیت جهانی را به‌عنوان مسئله‌ای اختیاری و نه امری مطرح می‌کند. برای مثال در کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ به اصل صلاحیت جهانی اشاره‌ای نشده

1. See for instance United States v. Smith, 18 US(5 Weat.) 153 at 161-2(1820).

است، اما برخی حقوقدانان اعمال این اصل را بر مبنای حقوق بین‌الملل عرفی امکان‌پذیر دانسته‌اند (Bassiouni, 1999: 234-235). به هر حال غیر از دزدی دریایی، کشورها بدون اینکه مجبور باشند، حق دارند تا در مورد جرائم خاص بین‌المللی (جرائم جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و شکنجه) نیز به اعمال صلاحیت جهانی بپردازند^۱ (Rubin, 2000: 265).

شاید بتوان گفت فلسفه اعطای این صلاحیت استثنایی به دولت‌ها، عدول از اصول سنتی سرزمینی یا تابعیت و نیاز به مبارزه مشترک در برابر جرمی است که همه دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین ترتیب منشأ و مبنای صلاحیت جهانی به‌عنوان فرمول و اصلی سازنده در حقوق بین‌الملل، بنیادین و حقوق بشری است. رویکردهای صلاحیت جهانی اغلب به دو زیرمجموعه بحث‌برانگیز تقسیم شده است: صلاحیت مطلق یا محض (که صلاحیت جهانی غیابی نیز نام دارد) و صلاحیت جهانی مشروط (که گاهی اوقات به آن صلاحیت جهانی حضوری می‌گویند).

۲.۲. مفهوم موسع (صلاحیت جهانی مطلق)

«صلاحیت جهانی مطلق» صرفاً بر اساس ماهیت جرم اعمال می‌شود. این امر به محل ارتکاب جرم، یا ملیت متهم، یا بودن متهم در قلمرو کشور دیگر بستگی ندارد. هر کشوری اختیار دارد یکطرفه و بدون توجه به ملیت فرد، علیه شخص اقدام کند. در اصل، صلاحیت جهانی، به دادگاه‌های داخلی امکان اجرای مؤثر قوانین بین‌المللی را می‌دهد و از همه مهم‌تر، این اصل نیازی به ارزیابی‌های مربوط به «صلاحیت شخصی» ندارد. بنابراین هر کشوری این اختیار را دارد که یکطرفه و صرف‌نظر از ملیت فرد، علیه وی عمل کند. از دیدگاه و نظر دولت‌ها، این شکل از صلاحیت، تهاجمی‌ترین فعالیت قضایی غیرقابل قبول است.

به موجب تعبیری متفاوت از صلاحیت جهانی، یک دولت می‌تواند متهم یا متهمان به جنایات بین‌المللی را صرف‌نظر از تابعیت، محل ارتکاب جنایت، تابعیت مجنی‌علیه، بازداشت یا حضور متهم در کشور مقرر دادگاه، مورد تعقیب قرار دهد. به هر حال از آنجا که بسیاری از نظام‌های حقوقی، محاکمه غیابی را مجاز نمی‌دانند، بنابراین حضور متهم در آن سرزمین شرط شروع جریان محاکمه است. روشن است این مفهوم صلاحیت جهانی، به مقامات رسمی داخلی اجازه می‌دهد که به محض پی بردن به اطلاعاتی در خصوص جنایت کیفری مورد ادعا، تحقیقات کیفری در مورد افراد مظنون را آغاز کنند، به جمع‌آوری ادله و مدارک بپردازند و حتی بدون حضور موقت وی بر آنها صلاحیت کیفری اعمال کنند (Cassese, 2003: 593-594).

1. See Institut de Droit International, Seventeenth Commission, Universal Jurisdiction Over Genocide, Crimes Against Humanity and War Crimes, Krakow, 2005, 2.

نمونه بارز آن، محاکمه آدولف آیشمن، افسر عالی‌رتبه نازی (۱۹۶۰)، در دادگاه‌های اسرائیل است. نمونه‌های اخیر شامل محکومیت و حبس ابد کشیش سابق رواندا، فرانسوا بازامبا، در سال ۲۰۱۰ در دادگاه فنلاند به اتهامات مربوط به دخالت وی در نسل‌کشی رواندا در سال ۱۹۹۴ است.^۲ این اصل در قوانین داخلی برخی کشورها نظیر اسپانیا، بلژیک، انگلستان، نروژ، ایتالیا (ماده ۷-۵ قانون جزای ایتالیا) و ... و همچنین آیین‌نامه شماره ۱۵/۲۰۰ هیأت اداره موقتی سازمان ملل در تیمور شرقی (مواد ۲-۱ و ۲-۲) مورد توجه قرار گرفته است (Maison, 1995: 260).

۴.۲. مفهوم مضیق (صلاحیت جهانی مشروط)

این اصل منعکس‌کننده این ایده است که هر کشور مسئولی، علاقه دارد با به‌کارگیری عدالت، مرتکبان مهم‌ترین جنایات را بدون توجه به ملیت مرتکب و اینکه جنایات در کجا انجام شده است، محاکمه کند. دیدگاه سازمان ملل در مورد صلاحیت جهانی همچنان که در مقدمه کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی (ژنوسید) آمده است «... که کشتار جمعی (ژنوسید) جنایتی است که نسبت به حقوق بین‌الملل ارتکاب می‌شود و برخلاف روح و مقصد سازمان ملل بوده و دنیای متمدن چنین عملی را محکوم می‌کند و با اذعان به اینکه در تمام دوره‌های تاریخ این عمل خسارات بسیاری به عالم انسانیت وارد ساخته است و با اطمینان به اینکه برای رهایی عالم انسانیت از چنین بلیه وحشتناک همکاری بین‌المللی ضرورت دارد ...»^۳، این است که «برخی جنایات چنان مهم هستند که کل جامعه جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، یا ... برای منافع بین‌المللی مضرند»، به همین سبب سرکوب آنها یکی از نگرانی‌های مشترک جامعه بین‌المللی است. با این حال اگرچه این‌گونه بیانها، کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌ها راهگشاست، نمی‌تواند به‌تنهایی ابزار قدرتمندی برای کمک به کشورها در جهت تضمین و برقراری عدالت باشد.

بدون تردید اجرای این اصل با روش و عملکرد دولت‌ها این تصور را ایجاد کرد که در حقیقت ایده اصلی صلاحیت جهانی توسط سیاست‌های بین‌المللی تحریف شد و کشورها به سمت نسخه متعادل‌تری از صلاحیت جهانی یعنی صلاحیت جهانی مشروط حرکت کردند.

بر اساس تعبیر مشهور از مفهوم مضیق، تنها و فقط دولتی که متهم در خاک آن بازداشت است می

1. Bazaramba

2. Finland court hears Rwandan genocide appeal, JURIST, 22 August 2011 (<http://jurist.org/paperchase/2011/08/finland-court-hears-rwandan-genocide-appeal.php>) accessed on 7 September 2015.

3. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Genocide), Resolution No. 1 (86), 11 December 1946.

تواند وی را محاکمه کند (دادگاه محل بازداشت یا صلاحیت محلی). به همین سبب حضور متهم در آن سرزمین، شرط وجود صلاحیت است (کسسه، ۲۰۰۲: ۸۵۷-۸۵۸). به نظر می‌رسد در سطح حقوق قراردادی و معاهدات، در مورد نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، پروتکل تکمیلی اول ۱۹۷۷، شکنجه (طبق ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۸۴ منع شکنجه) و تروریسم به ترتیب مذکور عمل می‌شود. لیکن این معاهدات، خود را به اعطای صلاحیت تعقیب و محاکمه متهم، محصور نمی‌کنند. آنها دولت‌ها را مکلف می‌کنند که یا خود به تعقیب و محاکمه مبادرت ورزند یا به‌عنوان راهکار دیگر، خوانده را به دولت مربوطه مسترد کنند (محاکمه یا مسترد کن).

۳. کنوانسیون‌ها و معاهدات حاوی صلاحیت جهانی

معاهدات بین‌المللی به‌عنوان وسیله‌ای رایج و مناسب برای بیان اهداف مشترک دو یا چند کشور و پیش‌بینی طرق نیل به آن اهداف به کار می‌روند. به‌طور کلی در کنوانسیون‌های بین‌المللی، صلاحیت جهانی دولت‌های عضو کنوانسیون به یکی از دو شکل ذیل پیش‌بینی می‌شود: در برخی از این کنوانسیون‌ها، دولت‌های عضو، قطع‌نظر از محل ارتکاب، برای رسیدگی به جرائم موردنظر کنوانسیون صلاحیت دارند و ملزم به تعقیب و محاکمه متهمان جرائم مذکور در دادگاه‌های خود هستند. اما دسته دوم کنوانسیون‌هایی هستند که خود مستقیماً به نفع دولت‌ها ایجاد صلاحیت نمی‌کنند، بلکه از آنها می‌خواهند که با اتخاذ تدابیر لازم یعنی وضع قانون در حقوق داخلی خود، صلاحیت جهانی خویش را نسبت به جرائم موردنظر کنوانسیون تثبیت کنند. از این رو کنوانسیون تنها دولت‌ها را به ایجاد صلاحیت برای خود ملزم می‌کند. در نتیجه استقرار صلاحیت به نفع دادگاه‌های ملی، موکول به وضع قانون برای اعلام چنین صلاحیتی است (خالقی، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۶).

در نتیجه این دادگاه‌ها نمی‌توانند به جرائم مشمول اصل صلاحیت جهانی رسیدگی کنند، مگر اینکه در مقررات ملی کشور متبوع و طبق اصول حقوق بین‌الملل از این صلاحیت برخوردار باشند. در مقابل، برخی با توجه به استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لوتوس (۱۹۲۷) معتقدند دادگاه داخلی یک کشور حتی اگر نتواند به قرارداد خاصی استناد کند، می‌تواند صلاحیت جهانی را اجرا کند (ریدامز، ۲۰۰۳: ۱۴۹). از زمان پایان جنگ جهانی دوم، تعداد زیادی از کنوانسیون‌های بین‌المللی وظیفه محاکمه برخی از جنایات را مشخص کرده‌اند. صلاحیت جهانی - به صورت الزام به «استرداد یا تعقیب و پیگرد قانونی» - یک سال بعد در چهار کنوانسیون ژنو (۱۹۴۹) به رسمیت شناخته شد، که در آن همه کشورهای عضو را به منع «تخلفات شدید» ملزم می‌کند. همچنین این مکانیزم در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به

یکی از ویژگی‌های مشخص کنوانسیون‌های مربوط به تروریسم و سایر کنوانسیون‌های متعاقب آن تبدیل شد^۱ (Broomhall, 2001: 401).

اندیشمندان به سه ابزار اصلی اجباری بودن صلاحیت جهانی اشاره می‌کنند؛ چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹، کنوانسیون نسل‌کشی و کنوانسیون ضدشکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا تحقیرآمیز.^۲ این معاهدات فقط شامل گستره محدودی از جرائم جدی بین‌المللی می‌شود^۳ (Trumbull, 2007: 289-290). با این حال بررسی آنها نشان می‌دهد که در مقررات مربوط به پیگرد قضایی تفاوت زیادی دارند (Scharf, 1996: 351). امروزه عرف و معاهدات بین‌المللی صلاحیت جهانی را برای برخی جرائم مهم مانند جرائم جنگی، تجاوز، جرائم علیه بشریت، نسل‌کشی، شکنجه، برده‌گیری، تبعیض نژادی، دزدی دریایی، اقدامات ضدامنیتی در هواپیما، گروگان‌گیری و قاچاق مواد مخدر قابل‌اعمال می‌داند (Bassiouni, 1999: 25) و در خصوص برخی جرائم مانند پولشویی^۴ (Stessens, 2000: 246) و تروریسم بین‌المللی^۵ (Bottini, 2004: 543)، صلاحیت جهانی در برخی اشکال پذیرفته شده است (Blakesley & Stigall, 2007: 32). مفاد کنوانسیون شکنجه نامشخص است، ظاهراً منافذی برای عدم تعقیب قانونی در آن وجود دارد و اگرچه به‌عنوان جرم علیه بشریت احصا نشده، اما به موجب کنوانسیون سازمان ملل در حوزه صلاحیت جهانی قرار می‌گیرد^۶ (کامینگا، ۱۳۸۲: ۷۶) و کنوانسیون نسل‌کشی نیز به‌هیچ‌وجه

1. See Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft, Dec. 16, 1970, art. 7, 860 U.N.T.S. 105; Convention for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Civil Aviation, Sept. 23, 1971, art. 7, 24 U.S.T. 565, 974 U.N.T.S. 177; International Convention Against the Taking of Hostages, Dec. 17, 1979, art. T.I.A.S. No. 11,081, 1315 U.N.T.S. 205; European Convention on the Sup-pression of Terrorism, Jan. 27, 1977, art. 7, 90 E.T.S. 3.
2. See also International Convention on the Suppression and Punishment of the Crime of Apartheid art. 4, opened for signature Nov. 30, 1973, 1015 U.N.T.S. 244 (requiring parties to “adopt legislative, judicial and administrative measures to prosecute, bring to trial and punish . . . persons responsible”).
3. (“A large number of human rights atrocities . . . are not covered . . . specifically, crimes again humanity and war crimes committed within the context of a domestic conflict” as well as genocidal acts that lack “the specific intent to commit genocide.”).
۴. در مقابل برخی جرائم بین‌المللی که انتظار می‌رفت موضوع صلاحیت جهانی باشند، هنوز موضوع صلاحیت جهانی نشده‌اند، مانند پولشویی که صرفاً در قالب جرائم سازمان‌یافته فراملی ممکن است موضوع صلاحیت جهانی شود.
۵. تمام معاهدات مرتبط با تروریسم به‌جز کنوانسیون توکیو صلاحیت جهانی الزامی را پذیرفته‌اند. با توجه به کنوانسیون تروریسم به‌نظر می‌رسد که اعمال صلاحیت جهانی در خصوص تروریسم جنبه حقوق بین‌المللی عرفی یافته است، هرچند در خصوص تمام مصادیق تروریسم چنین نیست.
۶. کنوانسیون بین‌المللی در مورد شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، مصوب ۱۰

صلاحیت جهانی را مجاز نمی‌داند.^۱ به نظر می‌رسد فقط کنوانسیون ژنو پیگرد قانونی تحت صلاحیت جهانی را برای جرائم خاص داشته باشد^۲ (Ingelse, 2001: 124)، درحالی‌که برخی جرائم بین‌المللی مشمول صلاحیت جهانی نیز هستند که ریشه در قوانین داخلی کشورها دارند که از آن می‌توان به‌عنوان صلاحیت جهانی غیر بین‌المللی یاد کرد (فروغی، ۱۳۸۸؛ 47-48: Meron, 1999).

۴. صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران

۱.۴. ورود اصل صلاحیت جهانی در قوانین ایران

تا پیش از تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، اصل صلاحیت جهانی وارد سیستم حقوقی ایران نشده بود (آزمایش، ۱۳۷۵: ۱۰۹). اصل صلاحیت جهانی در ایران به موجب بند «و» ماده ۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ پذیرفته شد. بر اساس این بند «در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی، مرتکب در هر کشور که به‌دست آید، باید محاکمه شود، اگر مرتکب در ایران دستگیر شود، طبق قوانین ایران محاکمه و مجازات می‌شود». پس از انقلاب اسلامی در بند «ه» ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، اصل صلاحیت جهانی مورد پذیرش قرار گرفت. در این بند مقرر شده بود «در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی، مرتکب در هر کشور که به‌دست آید محاکمه می‌شود، اگر در ایران دستگیر شد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد». در این قانون عبارت «باید» از قانون قبلی حذف شد، با این اعتقاد که اولاً مقنن اعمال صلاحیت جهانی از سوی محاکم کیفری خارجی را به‌طور مطلق قبول ندارد، ثانیاً قانون قبلی اعمال «صلاحیت جهانی اختیاری» را از شمول تعریف صلاحیت جهانی مدنظر حقوق ایران خارج ساخت (مؤمنی، ۱۳۹۱: ۲۴۲).

دسامبر ۱۹۸۴، U.N. Gaor, G. A. Res. 39/46، 39th Sess. Supp. شماره ۵۱، سند ملل متحد / A (1985) 39/51 (از ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ به اجرا درآمد).

1. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Dec. 9, 1948, 102 Stat. 3045, 78 U.N.T.S. 277.

۲. برای مثال ر.ک: کنوانسیون ژنو برای بهبود وضعیت مجروحان و بیماران در نیروهای مسلح در میدان نبرد، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹، ۵ ایالات متحده آمریکا 3114، U.N.T.S. 3175؛ کنوانسیون ژنو برای بهبود وضعیت افراد زخمی، بیمار و کشتی شکسته نیروهای مسلح در میادین دریایی، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹، ۶ ایالات متحده آمریکا 3217، U.N.T.S. 8575؛ کنوانسیون ژنو در رابطه با رفتار با زندانیان میدان‌های نبرد جنگی، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹، ۶ ایالات متحده آمریکا 3316، U.N.T.S. 13575؛ کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ در میادین جنگی، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹، ایالات متحده آمریکا 3516، U.N.T.S. 28775.

اصل صلاحیت جهانی مجدداً در سال ۱۳۷۰ بدون تغییری در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مورد پذیرش مقنن ایرانی قرار گرفت.^۱ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در فصل «قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان» یا صلاحیت جهانی سرزمینی، یک ماده به صلاحیت جهانی اختصاص یافته است که تفاوت‌هایی با همتای خود در قانون مجازات اسلامی سابق دارد. به موجب ماده ۹ این قانون: «مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران، محاکمه و مجازات می‌گردد». در قانون جدید عبارت «اگر در ایران دستگیر شد» به «اگر در ایران یافت شد» تغییر کرد. بر این اساس قانونگذار قلمرو اعمال صلاحیت جهانی از سوی محاکم ملی ایران را توسعه داده است. همچنین عبارت «عهد بین‌المللی» در قانون ۱۳۷۰ به عبارت عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی» تغییر یافته است. در حقیقت این تغییر واژه گستره شمول صلاحیت دادگاه‌های ایران را برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی در حوزه اصل صلاحیت جهانی، گسترش داد و علاوه بر معاهدات قراردادی، مقوله‌نامه‌ها، کنوانسیون‌ها و دیگر اسناد بین‌المللی مشمول این اصل را در برگرفت (حجت‌زاده و درجی، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

طرح ناموفق «نحوه رسیدگی به شکایات نسل‌کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژادپرستی» (۱۳۸۱) و قانون «الزام دولت به حمایت از مردم مظلوم فلسطین» (۱۳۸۷) از جمله قوانین خاصی‌اند که مبتنی بر صلاحیت جهانی و با هدف تعقیب سران رژیم صهیونیستی به اتهام جنایت علیه بشریت، جرائم جنگی و نسل‌کشی به تصویب رسیدند. همچنین قوانین خاص دیگری همانند «قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» (۱۳۹۶)، «قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان سازمان تروریستی توسط ایالات متحده آمریکا» و اصلاحیه آن (۱۳۹۸) و «قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت» (۱۳۹۹)، در جهت اصل صلاحیت جهانی و صلاحیت دادگاه‌ها و دعاوی ایران تصویب شد. در یک دهه اخیر نیز برخی قوانین خاص مانند «لایحه رسیدگی به جرائم بین‌المللی» و «قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم بین‌المللی» در قالب لایحه تدوین و به مجلس روانه شد، اما تاکنون به تصویب نرسیده است. شاید بتوان گفت این امر عدم درک مناسب قوای سه‌گانه و تدوین‌کنندگان این لوایح از دیدگاه و نظر قانون در مورد نوع و شکل صلاحیت جهانی را نشان می‌دهد.

۱. ماده ۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰: «در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که به‌دست آید محاکمه می‌شود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد».

۲.۴. قوانین عام نظام قضایی ایران در مورد صلاحیت جهانی

مواد ۳ تا ۹ ق.م.ا به تعیین صلاحیت دادگاه‌های ایران می‌پردازد و با قوانین مربوط به صلاحیت در قانون آیین دادرسی کیفری متفاوت بوده و صرف‌نظر از اینکه کدام دادگاه یا حوزه قضایی صالح به رسیدگی است، به مواردی که دادگاه‌های ایران صالح هستند، اشاره می‌کند. به‌طور کلی و مختصر، ماده ۳ از صلاحیت سرزمینی در قوانین کیفری سخن گفته است. از این‌رو قوانین جزایی ایران نسبت به تمامی اشخاص اعم از اتباع داخلی یا خارجی و اشخاص حقیقی یا حقوقی که در ایران جرمی مرتکب شوند، اعمال می‌شود.

ماده ۴ به اصل صلاحیت سرزمینی نوعی یا عینی اشاره دارد و صرف تحقق نتیجه یا بخشی از جرم در ایران، برای صلاحیت ایران کافی است. ماده ۵ بیان‌کننده اصل صلاحیت واقعی یا حمایتی است و دادگاه‌های ایران را در رسیدگی به جرائمی که در خارج از کشور واقع شده است، صالح می‌داند. از الزامات این ماده وقوع جرم ارتكابی صرف‌نظر از نوع جرم، مرتکب و یا بزه‌دیده در خارج از ایران است و اگر جرم موردنظر حائز این شرایط نباشد، مشمول مواد ۳ و ۴ (اصل صلاحیت سرزمینی) است و دیگر نمی‌توان جرم ارتكابی را مشمول دیگر صلاحیت‌ها دانست. ماده ۶ از جرائم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا خارجی و در رابطه مستقیم با شغل و وظیفه‌شان در خارج از کشور سخن می‌گوید. اما تمام جرائم ارتكابی مرتبط یا غیرمرتبط با شغل مأموران کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند، مشمول این ماده است (غفوری، ۱۳۹۸: ۲۵، ۲۸ و ۳۰). ماده ۷ به اصل صلاحیت شخصی مثبت (صلاحیت شخصی فعال، صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزهکار) اشاره می‌کند و ناظر بر این امر است که در صورت ارتكاب جرم توسط تبعه ایرانی در خارج از کشور و مهیا بودن شرایط این ماده، متهم یا مجرم مطابق با قوانین ایران، تحت دادرسی قرار می‌گیرد و مجازات می‌شود. ماده ۸ قانون مجازات اسلامی به عقیده بیشتر حقوقدانان کشورمان در مقام برقراری صلاحیت جهانی محاکم داخلی است. چنین صلاحیتی به مراجع قضایی اجازه می‌دهد که به جرائم بیگانگان بیرون از قلمرو حاکمیت ایران بدون آنکه منافع اساسی کشور به خطر افتاده باشد، به موجب قوانین کیفری رسیدگی کنند. ماده مذکور اعمال صلاحیت را به دو شرط مقید کرده است؛ نخست این جرائم به موجب قانون خاص یا عهود بین‌المللی تعیین شده باشند؛ دوم مرتکب در ایران دستگیر شده باشد. در این ماده از دیگر شروط صلاحیت جهانی و تعهدات دولت در تثبیت صلاحیت مذکور سخنی نیست (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۵۳).

همچنین ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد:

«مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد». برخی مصادیق این امر عبارت‌اند از:

مواد ۳۰، ۳۱ و ۳۲ قانون هواپیمایی کشور مصوب ۱۳۲۸/۰۵/۰۱.
 ماده ۴ قانون الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما.
 مواد ۴، ۵، ۶ و ۷ قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۵۲/۰۳/۰۷.
 مواد ۳ و ۴ قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرائم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما مصوب ۱۳۵۵/۰۲/۲۱.
 مواد قانون مجازات اخلال‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۰۴.
 در توضیح و تشریح این ماده باید بیان گفت:
 * این ماده به اصل صلاحیت جهانی اشاره دارد و شامل جرائمی است که مشمول مواد ۳ تا ۸ ق.م.ا نباشند و به‌طور طبیعی صلاحیت جرائم مشمول مواد ۳ تا ۸ ق.م.ا بر اساس همان مواد یعنی دیگر انواع صلاحیت همانند صلاحیت سرزمینی، واقعی و ... تعیین می‌شود.
 * احکام ماهوی و شکلی در کلیه جرائم مواد ۳ تا ۹ ق.م.ا که صلاحیت دادگاه‌ها و مراجع قضایی ایران را به رسمیت شناخته است، بر اساس قوانین ایران است و حالتی مغایر این وضع وجود نخواهد شد.
 * طبق شرع مقدس اسلام و قوانین جمهوری اسلامی ایران، برخی قواعد فقط در مورد برخی از صلاحیت‌ها وجود دارد از جمله:
 قاعده احتساب: فقط در صلاحیت واقعی (فقط جرائم تعزیری)
 قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف: در صلاحیت‌های شخصی فعال و شخصی منفعل (فقط در جرائم تعزیری غیر منصوص)
 اصل مجرمیت متقابل: فقط در صلاحیت شخصی منفعل (فقط در جرائم تعزیری غیر منصوص)
 و در صلاحیت‌های شخصی فعال و منفعل، یافت شدن یا اعاده به ایران شرط است و در صلاحیت جهانی، فقط به شرط یافت شدن اکتفا شده است (غفوری، ۱۳۹۸: ۳۳).

۳.۴. پیش‌نویس «لایحه قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم بین‌المللی»

یک حقیقت کلی در خصوص حقوق بین‌الملل کیفری این است که دو روش اجرا برای آن وجود دارد: ۱. اجرا از سوی محاکم ملی که نوع غیرمستقیم اجرا نام دارد و ۲. اجرا از سوی دیوان‌ها و محاکم بین‌المللی که نوع مستقیم اجرا خوانده می‌شود. محاکم ملی یک چارچوب بین‌المللی آیین دادرسی را به‌کار نمی‌گیرند، آنها در حیطه شاخص‌های حقوق داخلی خود حتی برای تعقیب جرائم بین‌المللی عمل می‌کنند. آنها قانون دادگاه را به‌کار می‌بندند (North, 2008: 75).

در ششم بهمن ماه ۱۳۸۷ لایحه «رسیدگی به جرائم بین‌المللی» در سه فصل (جنایات، صلاحیت و سایر مقررات) و ۹ ماده به منظور پیگیری، تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی و تنظیم نظام قضایی برای رسیدگی به جنایات علیه بشریت و به‌ویژه علیه مسلمانان، به تصویب هیأت دولت وقت رسید و در اسفند همان سال برای طی تشریفات قانونی تقدیم مجلس شد. لایحه مذکور در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در لایحه «همکاری و معاضدت‌های قضایی بین‌المللی» ادغام شد که در صحن علنی مجلس منتظر رسیدگی است.^۱ این لایحه با توجه ویژه به وقوع جنایات بین‌المللی از سوی قدرت‌های مستکبر جهانی و رژیم اسرائیل علیه بشریت و به‌ویژه مسلمانان، لایحه‌ای خاص، حمایتی و ناظر بر جنایات جنگی علیه مردم مظلوم فلسطین است و نمی‌توان از آن در جهت اجرای صلاحیت جهانی در زمینه همه جنایات مهم بین‌المللی استفاده کرد. با این حال دستورالعملی تحت عنوان «استرداد مجرمان و معاضدت قضائی بین‌المللی» به منظور ایجاد انضباط بیشتر در تنظیم و ارسال درخواست‌های همکاری بین‌المللی و نیز اجرای درخواست‌های مراجع قضایی خارجی؛ و با توجه به اهمیت و تأثیر اقدامات مراجع قضایی در نحوه همکاری متقابل کشورهای دیگر و با عنایت به تمرکز انجام این‌گونه امور در اداره کل امور بین‌الملل قوه قضاییه، و مستنداً به قانون استرداد مجرمان (مصوب ۱۳۳۹) و سایر مقررات مربوط به همکاری‌های بین‌المللی مندرج در قوانین مختلف از جمله قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و اجرای احکام مدنی و معاهدات دو یا چندجانبه، در خردادماه ۱۳۹۲ توسط ریاست محترم قوه قضائیه تصویب شده و تا به امروز در حال اجراست.

اما در سال ۱۳۹۰ و پس از بی‌نتیجه ماندن لایحه «رسیدگی به جرائم بین‌المللی»، لایحه‌ای تحت عنوان «قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم بین‌المللی» در شش فصل (اصول کلی و قواعد عمومی، تعاریف، جرائم و مجازات، صلاحیت و آیین دادرسی، همکاری‌های قضایی و مقررات نهایی) و ۱۵۱ ماده در قوه قضاییه تنظیم و پس از تصویب هیأت وزیران در سال ۱۳۹۲ به مجلس ارسال شد، اما تاکنون مسکوت مانده است. لایحه مذکور به سبب اهمیت در بحث صلاحیت جهانی از لحاظ ماهوی و شکلی، تجزیه و تحلیل شده و برخی اشکالات آن به لحاظ قوانین کیفری داخلی و بین‌المللی بررسی شده است.^۲

۱. اظهارات الهیار ملک‌شاهی رئیس کمیسیون حقوقی قضایی مجلس شورای اسلامی در دوره نهم، (۱۳۹۲)

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/04/11/89700>

۲. مکاتبه با مرکز پژوهش‌های مجلس و مصاحبه با کارشناس حقوقی و قضایی موضوع، شنبه ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ (9-02-2019).

۴.۴. برخی نکات مهم لایحه «قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم بین‌المللی»

مواد ۱ تا ۱۴ فصل اول لایحه مربوط به اصول کلی و قواعد عمومی همانند عنوان کردن جرم محاربه، عطف به ماسبق نشدن این قانون مگر در شرایطی که به حال متهم مساعدتر باشد، اهلیت و سن قانونی مجرم، عدم تعلیق مجازات، وجود تخفیف در مجازات، مصونیت و در آخر هم به قرابت، نزدیکی و پیوند صلاحیت این لایحه با لایحه «قانون مجازات و رسیدگی به جرائم تروریستی»، اشاره دارد. آنچه در بدو امر مشاهده می‌شود این است که متن لایحه مذکور با شتاب‌زدگی تنظیم شده و اصطلاحات و جملات تخصصی در آن کمتر به کار رفته است و در برخی از مواد ابهام، دوگانگی و تناقض دیده می‌شود. البته در مواردی نوآوری و استحکام نیز وجود دارد. ماده ۲ جرم «محاربه»، معاون و شرکای آن را جزو جرائم بین‌المللی جرم‌انگاری کرده و قانون ماهوی رسیدگی به آن را قانون مجازات اسلامی می‌داند. فصل سوم لایحه مختص جرائم و مجازات است و به نظر می‌رسد بهتر بود که این جرم (محاربه) نیز همانند دیگر جرائم در این فصل عنوان شود. از طرفی جرم‌انگاری «محاربه» به عنوان جنایت بین‌المللی، حداقل از لحاظ واژه و اصطلاح، با حقوق و قوانین کیفری بین‌المللی مطابقت ندارد و شاید بتوان آن را تنها به راهزنی و دزدی دریایی که جزو اولین جرائم در صلاحیت جهانی است، تسری داد.

«راهزنی دریایی یک موضوع مورد توجه جهانی است که در عرصه دریاهای موجب بی‌نظمی و اختلالاتی نظیر اشاعه سلاح، تروریسم و ارتکاب جرائمی مانند مهاجرت غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر و قاچاق سلاح شده است» (موسوی و جدیدی، ۱۳۹۰: ۳۷۹). بر این اساس قانونگذار ایران برای اولین بار در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ از راهزنی دریایی سخن به میان آورده است. یکی از اعمالی که در بند ۶ از شق «ب» ماده ۱ از آن یاد شده، راهزنی دریایی است. البته باید به خاطر داشت که در صورت عدم تحقق حتی یکی از شرایطی که برای تحقق عنوان محاربه الزامی است، نمی‌توان راهزنان دریایی را محارب دانست و مجازات محاربه را در مورد آنها اجرا کرد (مقامی و رستمی، ۱۳۹۸: ۲۵۷).

مواد ۱۲ و ۱۳ لایحه به مصونیت پرداخته و عنوان کرده‌اند که حتی «اگر موضوع قانون یا امر مقام مافوق ارتکاب جرائم مندرج در این قانون باشد، الزام قانونی در رعایت اوامر قانون یا امر قانونی دلیل معافیت از مسئولیت کیفری نیست». دیدگاه این دو ماده همان دیدگاه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در بعد مصونیت است؛ یعنی اشخاص، مسئولان و مناصب دولتی به واسطه عمل ارتكابی مغایر با حقوق بشر و جنایات بین‌المللی هرچند بر اساس مأموریت خود، از مجازات مصون و مسئولیت کیفری معاف نیستند و هدف لایحه، مصونیت اشخاص (دولتی و غیردولتی) بوده و از بعد مصونیت قضایی و کیفری دولت خارج است. در این میان سؤالاتی مطرح می‌شود، که رویه و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در

برخورد متقابل و مهم‌تر در مورد این لایحه در نظام بین‌الملل، در مواجهه با افراد و اشخاص موضوع کنوانسیون ۱۹۶۱ روابط دیپلماتیک و کنسولی چگونه است؟ طبیعی است که صراحت این لایحه در موضوعات مختلف کیفری، به‌ویژه اصل و قاعده حاکمیت دولت‌ها (حاکمیت وستفالی-که، بر پایه اصل عدم مداخله در امور داخلی کشور دیگر، هر دولت ملی بر قلمرو و امور داخلی‌اش دارای حاکمیت است و این هر دولت (فارغ از اینکه چقدر بزرگ یا کوچک باشد) در حقوق بین‌الملل برابر است، در عرصه بین‌الملل واکنش‌هایی در پی خواهد داشت.

ماده ۱۴ از «هیأت سیاستگذاری مبارزه با جرائم بین‌المللی» و از برابری صلاحیت این لایحه با لایحه «قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم تروریستی» (که تصویب نشد) صحبت به میان آورده است. اول، منظور از «هیأت سیاستگذاری مبارزه با جرائم بین‌المللی»، اینکه توسط چه شخص یا نهاد و با چه فرایندی انتخاب می‌شوند، اعضا، حدود وظایف و اختیاراتش و به‌خصوص جایگاه قانونی این هیأت چیست، ابهاماتی وجود دارد. دوم، گره زدن صلاحیت این لایحه به لایحه «قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم تروریستی» که هنوز به تصویب کامل نرسیده است، به‌نوعی کل لایحه جرائم بین‌المللی را زیر سؤال می‌برد و بی‌اهمیت جلوه می‌دهد. ماده ۱۵ مربوط به تعاریف اصلاحات تخصصی لایحه است که متأسفانه هیچ‌وقت نوشته نشد. تعاریف از جمله مباحث مهم در قوانین هستند که به روشن شدن هویت قانون کمک شایانی می‌کنند. به تعبیر دیگر اهمیت تعریف در انواع مجادلات به‌اندازه‌ای است که با روشن شدن مفاهیم کلیدی مبهم مورد مجادله، اغلب برطرف شده یا حداقل نقاط اختلاف‌نظر روشن می‌شود. این تعاریف هستند که در علم حقوق و بخصوص تدوین قوانین، ابهامات و اختلاف‌ها را برطرف می‌کنند و یا به کمترین سطح کاهش می‌دهند و به روشن شدن مفاهیم و اصطلاحات حقوقی کمک بسیار زیادی می‌کنند.

مواد ۱۶ تا ۶۰ ناظر بر تعریف جرائم و کیفرها به‌عنوان مقررات ماهوی است. در ابتدای سده بیست و یکم، یکی از جستارهای برجسته عدالت کیفری بین‌المللی، جرم‌انگاری جرائم بین‌المللی در نظام عدالت کیفری ملی به‌منظور تمهید پیگرد ملی این جرائم است. به این ترتیب، جرم‌انگاری جرائم بین‌المللی در حقوق کیفری داخلی، ابزار بایسته برای آمادگی جهت رسیدگی به آن جرائم است. کشورهای همانند استرالیا، کانادا، انگلستان، آلمان، فرانسه و هلند قوانینی را در پیوند با پیگرد جرائم بین‌المللی نگارش و برنهادند. در برخی کشورها مانند ترکیه و سوئد نیز بازنگری در این باره در فرایند قانون‌گذاری در مجلس است. فرا روی این کشورها، برخی نظیر ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین واکنشی در این باره بروز

نداده‌اند. هماهنگی کشورها با نظام رو به رشد عدالت کیفری بین‌المللی، نیازمند آمادگی آنها در این زمینه است. بی‌گمان یکی از وجوه این آمادگی و چه بسا مهم‌ترین آن ناظر بر گسترش گنجایش قانونی جهت پیگرد جرائم بین‌المللی در دادگاه‌های ملی است (Bergsmo & Hayashi, 2007: 3). چه اولویت در رسیدگی به جرائم بین‌المللی با دادگاه‌های ملی است (Inazumi, 2005: 46)؛ میر محمدصادقی، ۱۳۹۰: ۲۵۹؛ رضوی فرد و فرجی، ۱۳۹۶: ۵-۷). لایحه «قانون مجازات و رسیدگی به جرائم بین‌المللی» از جمله همین قوانین است. با نگاه به مواد مذکور، جرائمی که توسط این لایحه جرم‌انگاری شده بدین شرح است:

محاربه، قتل، ایراد صدمات شدید، تجاوز به عنف، ناپدید ساختن اجباری افراد غیرنظامی، شکنجه غیرنظامیان، تبعیض ناروا و بدون دلیل و مبنا، اعمال هر نوع رفتار غیرانسانی یا خوارکننده یا بی‌رحمانه، برده‌داری از هر نوع از جمله برده‌داری جنسی-ممانعت از تولد و تناسل-محرومیت از قابلیت‌های جنسی و تناسلی-به فاحشگی کشاندن اجباری-اعمال خشونت جنسی و ایجاد تغییرات اجباری ژنتیکی، تبعید یا انتقال اجباری و غیرقانونی یا قاچاق افراد غیرنظامی، محروم کردن افراد از حقوق اجتماعی و سیاسی (حیات، برابری، برخورداری از امنیت، انجام فعالیت‌های قانونی و مذهبی، تفکر، مشارکت سیاسی، یا دیگر مصادیق بنیادین حقوق بشر)، استفاده از سلاح‌های کشنده سمی (سم، سلاح‌های سمی، سلاح‌های میکروبی و بیولوژیکی و سلاح‌ها و مواد مشابه)، سلاح‌های هسته‌ای (انواع آن و مواد آن)، شکنجه رزمنده‌ها و افراد نظامی دشمن یا واردکردن صدمات جسمانی یا از کار انداختن اندام رزمنده دشمن، استفاده از سلاح‌ها و گلوله‌ها(ممنوعه، موجد رنج بیهوده، سلاح‌های ناتوان در تشخیص دادن نظامی از غیرنظامی یا هر سلاح متعارف بدون وجود ضرورت نظامی در طول جنگ)، اعمال هر نوع رفتار غیرانسانی (خوارکننده، بی‌رحمانه، انجام عمل جراحی یا هر اقدام خطرناک پزشکی، انتقال خون یا پوست، انجام هرگونه آزمایش پزشکی، پیوند اعضا از رزمنده دشمن یا به وی، انجام هر نوع اقدام بدون رضایت یا بدون رعایت منافع رزمنده دشمن یا مبتنی بر ضروریات پزشکی غیرمتعارف)، محروم کردن رزمنده دشمن از نیازهای حقوق بشری(حیات، برابری، برخورداری از امنیت، انجام فعالیت‌های قانونی و مذهبی، تفکر یا دیگر نیازهای بنیادین بشری)، گروهان‌گیری، انتقال اجباری یا تبعید غیرنظامیان، اعمال تبعیض ناروا یا بدون دلیل و مبنا میان اسرای جنگی، اموال غیرنظامیان (غارث، تخریب، ضبط اموال به‌صورت گسترده بدون وجود ضرورت نظامی یا رضایت متعارف مالک)، تباری، طراحی یا برنامه‌ریزی برای ارتکاب جرائم مذکور. سؤال این است که جرائم این لایحه بر چه مبنا و اصولی در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی جرم‌انگاری شده است؟ آیا با حقوق کیفری داخلی تطابق دارد؟

در میان جرائم مذکور، جاسوسی، تروریسم، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و دیگر جرائم فراملی مشاهده نمی‌شود. سیاق فصل سوم و مرور مواد آن نشان می‌دهد که موارد جرم‌انگاری شده در حوزه جرائم جنگی و جنایت علیه بشریت و ترجیحاً ناظر بر زمان جنگ است.

بحث تناسب و میزان مجازات تعیین شده همانند اعدام و مجازات زندان که میانگین آن ۳ تا ۳۰ سال مشخص شده است، استفاده از واژه غریب و نامأنوس حقوق ممتنع در مواد ۲۲ و ۳۰، اگرچه همسو با کنوانسیون‌های ژنو در خصوص استفاده از تسلیحات نظامی است، ابهاماتی دارد، اینکه استفاده از سلاح‌های متعارف بدون ضرورت نظامی یا سلاح‌های ناتوان از تشخیص دادن نظامی از غیرنظامی چیست؟ آیا موضوع باید از دید کارشناسان نظامی بررسی شود؟ به نظر می‌رسد تشخیص این مسئله به مطالعه و آسیب‌شناسی تطبیقی نیاز دارد. ظاهر تبصره ماده ۲۱ که می‌گوید: «محرومیت از حق حیات و حق برخورداری از امنیت به هر دلیل ممنوع است»، با تبصره ماده ۲۳ «اگر محدودیت‌های مندرج در این ماده و محرومیت مندرج در مواد ۲۱ و ۲۲ از طریق قانون و توسط مقامات صالح و در جهت حفظ یا تأمین منافع و مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران و به صورت موقت به عمل آید، جرم است»، مغایرت دارد. ماده ۲۷ به مواد سمی و هسته‌ای اشاره دارد، اما از سلاح‌های شیمیایی نامی برده نشده است. البته نگاه قانونگذار به حقوق محیط زیست، اماکن تاریخی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی، حفاظت از نیروهای امدادگران، اطفال و نیروهای غیرنظامی، بسیار مهم و از نقاط مثبت لایحه است. ماده ۶۱ منطوق و استناد صلاحیت رسیدگی در این لایحه را مواد ۷۶ و ۷۷ لایحه «قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم تروریستی» عنوان کرده است. قانونی که هرگز تصویب نشد و ابطال ماند و متأسفانه مفاد و متنی از لایحه مذکور در دسترس نیست تا مواد موردنظر بررسی شود. اگرچه قانونی تحت عنوان «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» در سال ۱۳۹۵ تصویب شد، این قانون بخشی از جرائم بین‌المللی تروریستی محسوب می‌شود و جامعیت لازم را ندارد و تنها ناظر بر وجوه، دارایی و منابع مالی جرائم تروریستی است.

منطقی بود تدوین‌کنندگان برای اثبات صلاحیت دادگاه‌های ایران در لایحه «قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم بین‌المللی»، به جای استناد به مواد لایحه و پیش‌نویس قانونی که تصویب نشده و معلق است، اولاً ماده یا موادی را در خود لایحه مذکور پیش‌بینی کرده و ثانیاً به مواد ۵ تا ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، استناد می‌کردند. ماده ۹ قانون مجازات اسلامی جدید (مصوب ۱۳۹۲) نیز، صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران را مسجل دانسته و بر آن صحنه گذاشته است. از سوی دیگر لازم است تدوین‌کنندگان لایحه در مواد ابتدایی، دادگاه دارای صلاحیت رسیدگی را که دادگاه خاص، کیفری یا انقلاب است مشخص کنند تا مراجع قضایی با ابهام در ماده ۶۶ که اعلام می‌کند:

«رسیدگی و محاکمه بدوی و تجدیدنظر نسبت به جرائم مندرج در این قانون از سوی شعبه اول مراجع قضایی مربوطه هر استان به عمل می‌آید»، روبه‌رو نشوند. عدم صراحت در نوع دادگاه رسیدگی‌کننده شبهاتی را به وجود می‌آورد و به تخلیط صلاحیت مراجع رسیدگی‌کننده منجر می‌شود. اما شاید بتوان گفت با توجه به عدم عنوان صریح دادگاه صلاحیت‌دار در لایحه مذکور و با توجه به صلاحیت‌های دادگاه انقلاب، تدوین‌کنندگان اجرای لایحه مذکور را در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی می‌دانند.

ماده ۶۷ حق تجدیدنظرخواهی و پژوهش آرای دادگاه را مدنظر قرار می‌دهد و ماده ۷۶ به بیان روش‌های ارائه ادله اثبات دعوا و تجدیدنظر در پرونده می‌پردازد که از جمله حقوقی است که در اسلام، قانون اساسی و حقوق کیفری ایران برای متهم برشمرده است.

مواد ۸۱ و ۸۲ به عدم رسیدگی یا مجازات مجدد اشاره دارد و اعتبار آرای قضایی صادره از دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی را برای جلوگیری از رسیدگی مجدد معتبر دانسته است، اما آرای صادره از مراجع قضایی کشورهای دیگر در مورد جرائم بین‌المللی باصلاحیت سرزمینی (تبعه ایرانی - جرم مربوط به منافع ایران) را غیرمعتبر می‌داند.

مواد ۸۷ تا ۱۴۴ مربوط به همکاری‌های قضایی جمهوری اسلامی ایران با دادگاه‌های دیگر کشورها، دادگاه‌ها و دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه جرائم مندرج در لایحه است. ایران در سال ۱۳۹۲ علاوه بر تصویب دستورالعملی در خصوص استرداد مجرمان و معاضدت قضایی بین‌المللی (شامل ۱۷ ماده و دو تبصره)، بالغ بر ۶۵ موافقت‌نامه، مقابله‌نامه و تفاهم‌نامه تا سال ۱۳۹۹ در زمینه همکاری و معاضدت قضایی بین‌المللی اعم از تبادل، انتقال و استرداد مجرمان و دیگر موارد با کشورهای مختلف دنیا به تصویب رسانده است. این آمارها در حالی است که هنوز بسیاری از کشورهای جهان حاضر به انعقاد تفاهم‌نامه حقوقی و قضایی و استرداد مجرمان با ایران نشده‌اند.

با نگاه به متن ماده ۹ ق.م.درمی‌یابیم که هرگونه شرط در معاهدات در خصوص اعطای حق اجرای صلاحیت جهانی، پس از تصویب و گنجاندن در حقوق ملی به بخشی از قوانین ایران تبدیل خواهد شد. برای مثال بر اساس ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۷۳ در مورد سرکوب و مجازات جنایت آپارتاید که ایران عضو آن است، افراد متهم به اعمال ذکر شده در ماده ۲ کنوانسیون حاضر (اقدامات مربوط به کمیسیون آپارتاید) ممکن است توسط دادگاه صالح هر کشور عضو کنوانسیون، محاکمه شود. همچنین تمامی معاهدات دیگر پذیرفته شده توسط ایران که حاوی بندهای مشابه در مورد صلاحیت جهانی است، بخشی از قوانین ملی ایران را تشکیل می‌دهد و ممکن است بر این اساس اعمال شود و معاهدات منعقدۀ بین ایران و سایر دولت‌ها طبق قانون اساسی دارای اعتبار قوانین داخلی است. علاوه بر این بیانیه نماینده

جمهوری اسلامی ایران پیش از شروع ششمین جلسه کمیته مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد «حوزه و کاربرد اصل صلاحیت جهانی» مبنی بر اینکه: «... به عبارت دیگر، اصل صلاحیت سرزمینی کلید برابری حاکمیتی کشورهاست و بنابراین صلاحیت جهانی جایگزین سایر مبانی قضایی نخواهد شد و فقط در مورد مهم‌ترین جنایات مطرح می‌شود. بسط این اصل به گونه‌ای که جنایات فجیع کمتری را شامل شود، می‌تواند مشروعیت آن را زیر سؤال ببرد. علاوه بر این، نمی‌توان آن را به تنهایی یا به استثنای سایر قواعد و اصول مرتبط حقوق بین‌الملل از جمله حاکمیت دولت و تمامیت ارضی دولت‌ها و مصونیت مقامات دولتی از صلاحیت کیفری خارجی اعمال کرد. علاوه بر این، نمی‌توان آن را به طور مجزا یا به استثنای سایر قواعد و اصول مرتبط حقوق بین‌الملل، از جمله حاکمیت دولت و تمامیت ارضی دولت‌ها و مصونیت مقامات دولتی از صلاحیت کیفری خارجی، اعمال کرد»^۱، نشان از موضع روشن ایران در قبال اصل صلاحیت جهانی دارد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران صلاحیت جهانی را به عنوان یک استثنا مبتنی بر معاهده در اعمال صلاحیت کیفری ملی می‌داند و با توجه به سیاق ماده ۹ ق.م که بیان می‌کند: «... اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد»، بی‌تردید صلاحیت جهانی مشروط را پذیرفته است.

۵. نتیجه

صلاحیت جهانی می‌بایست در واقعی‌ترین شکل خود این امید را ایجاد کند که افرادی که مرتکب جنایت می‌شوند، تحت تعقیب قرار می‌گیرند و در دادگاه، عادلانه محاکمه می‌شوند. در حال حاضر صلاحیت جهانی در مورد گستره وسیعی از جنایات مهم بین‌المللی اعمال می‌شود و شواهد زیادی نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها از شیوه‌های مختلف صلاحیت جهانی اعم از مطلق و مشروط آن در دادگاه‌های ملی خود استفاده می‌کنند. طبیعی است که استفاده از نسخه صلاحیت جهانی مشروط، نتیجه درک خطرهای نظام قضایی کشورها برای عبور از مرزها، تلاش برای محاکمه اتباع خارجی که در سرزمین‌های خارجی مرتکب جنایت شده‌اند و همچنین پیامدهای این امر در دستیابی به عدالت بین‌المللی است، بنابراین با توجه به رغبت روزافزون به صلاحیت جهانی از سوی کشورهای دنیا، شاهد استحکام و پیشرفت این اصل در جامعه بین‌المللی هستیم. اما استفاده از صلاحیت جهانی مطلق که آن روی دیگر این سکه است

1. Statement by H.E. Mr. Abbas Bagherpour Ardekani Representative of the Islamic Republic of Iran Before The Sixth Committee of the 72nd Session of the United Nations General Assembly On: "The scope and application of the principle of universal jurisdiction" (Agenda Item 85) New York, 11 October 2017.

و در قوانین برخی کشورها وجود دارد، به فهم درست و عمیق از صلاحیت جهانی کمک می‌کند و بیشترین اثربخشی را در کمک به اجرای عدالت به همراه دارد.

با نگاه به قوانین عام، بدون شک در تمامی جرائم مواد ۳ تا ۸ ق.م.ا، انواع صلاحیت‌های سرزمینی، واقعی، فعال و منفعل دادگاه‌ها و مراجع قضایی ایران به رسمیت شناخته شده و در حال اجراست. اما در مورد اصل صلاحیت جهانی، متن ماده ۹، دیگر مواد تدوین شده در این زمینه صلاحیت جهانی و همچنین مواضع ایران در مجامع بین‌المللی، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران صلاحیت جهانی را به‌عنوان یک استثنا مبتنی بر معاهده در اعمال صلاحیت کیفری ملی می‌داند و در نتیجه اعتقاد حقوقی بر صلاحیت جهانی مشروط دارد.

بررسی قوانین جمهوری اسلامی ایران در طول تاریخ حقوق کیفری‌اش نشان می‌دهد که برای تدوین و تصویب قوانین در راستای صلاحیت جهانی عزمی راسخ دارد و در همین زمینه نیز قوانینی همانند «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم»، قوانین دریایی، قوانین خطوط ریلی زمینی و هوایی، امنیت داخلی و... را به تصویب رسانده است. همچنین پیشنهاد تدوین و ارائه لوایحی خاص مانند «لایحه رسیدگی به جرائم بین‌المللی» و لایحه «قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم بین‌المللی» با همه نقص‌ها و اشکالاتش، گامی مثبت و مؤثر در زمینه قانونی شدن صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران در عرصه رسیدگی به جنایات بین‌المللی است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹). *حقوق جزای عمومی*. ج ۱، چ اول، تهران: میزان.
۲. بولک، برنار (۱۳۸۴). *کیفرشناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ چهارم، تهران: مجد.
۳. بهرامی، بهرام (۱۳۸۵). *آیین دادرسی مدنی*. علمی و کاربردی. چ نهم. تهران: نگاه بینه.
۴. خالقی، علی (۱۳۹۳). *جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل*. چ چهارم، تهران: شهر دانش.
۵. زندیه، حسن (۱۳۹۲). *تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول*. چ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. کسسه، آنتونیو (۱۳۸۳). *حقوق کیفری بین‌المللی*. ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، چ اول، تهران: جنگل.
۷. مؤمنی، مهدی (۱۳۸۸). *مبانی حقوق جزای بین‌الملل ایران*. چ چهارم، تهران: شهر دانش.

۸. میر محمدصادقی، حسین (۱۳۹۰). جرائم علیه اشخاص. چ هشتم، تهران: میزان.
۹. نژندی منش، هیبت‌الله (۱۳۹۳). جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱. مجموعه مقالات اهدایی به استاد محمدرضا ضیائی بیگدلی، چ اول، تهران: شهر دانش.

ب) مقالات

۱۰. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۹). ماده ۸ قانون مجازات اسلامی و اصل صلاحیت جهانی. *مجله تحقیقات حقوقی*، ۵۱، ۵۳ - ۸۶.
۱۱. حجت زاده، علیرضا و درجی، حسین (۱۳۹۱). اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه بررسی‌های حقوق بین‌الملل*، ۱.
۱۲. خالقی، علی (۱۳۸۲). محاکمه صدام و مسئله صلاحیت از منظر حقوق داخلی بین‌المللی. *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۲(۴)، ۱۱-۴۳.
۱۳. خبیری، کابک؛ جدلی، صفی ناز (۱۳۸۹). «صلاحیت جهانی و کارایی آن در مبارزه و پیگیری جرائم بین‌المللی». *فصلنامه راهبرد*، ۱۹، ۹۸ - ۱۲۱.
۱۴. صبوری‌پور، مهدی و خلیل‌زاده، ایرج (۱۳۹۶). قانون جزای عرفی و نقش آن در شکل‌گیری حقوق کیفری ایران. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۷(۲۴)، ۲۲۵ - ۲۵۵.
۱۵. فروغی، فضل‌اله (۱۳۸۸). منشأ و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی. *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۱(۳)، ۲۱ - ۴۷.
۱۶. مقامی، امیر و رستمی، جواد (۱۳۹۸). تسری محاربه به راهزنی دریایی از منظر فقه شیعه و حقوق کیفری ایران. *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۲۷(۱۰۱)، ۲۴۳-۲۶۹.
۱۷. موسوی، سید فضل‌الله؛ موسوی، سید مهدی و جدیدی، انسیه (۱۳۹۰). چالش‌های کنونی حقوق بین‌الملل در مورد اعمال صلاحیت نسبت به راهزنی دریایی. *فصلنامه پژوهش حقوقی*، ۱۳(۳۲).

۲. انگلیسی

A) Books

1. Cherif Bassiouni, M (1999). *Crimes Against humanity in International law*, Dordrecht/ London/ Boston: Kluwer law International 2d ed.
2. Bergsmo, M., Nobuo, H., & Mads Harlem, (2010). *Importing Core International Crimes into National Criminal Law*, Torkel Opsahl Academic EPublisher, Oslo, 74 pages, <http://www.toaep.org/ps-pdf/1-bergsmo-hayashi-harlem-second>.
3. Blakesley, C. L., & E. Stigall, D. (2007). *The Myopia of U.S.v. Martinelli: Extraterritorial Jurisdiction in The 21st Century*, George Washington International Law Review, Vol 39.

4. Canefe, N. (2018). *International Criminal Law and Limits of Universal Jurisdiction in the Global South: A Critical Discussion on Crimes Against Humanity*, Osgood Hall Laaw School-York University-Toronto, Ontario.
5. Cassesse, A. (2003). *International Criminal law*, Published: 05 April 2013, 520 Pages, ISBN: 9780199694921.
6. Cryer, R., Friman, H., Robinson, D., & Wilmshurst, E. (2014). *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*(3rd ed.). Cambridge: Cambridge University Press. Doi:10.1017/CBO9781107588707.
7. Ellis, M. (2012). *The Decline of Universal Jurisdiction—Is it Reversible?*, SOAS, 22,(10th Annual Ruth Steinkraus-Cohen International Law lecture).
8. Guillaume, G. (1992). *La compétence universelle, formes anciennes et nouvelles*, Melanges offerts a Georges Levasseur, Paris, Gazette du Palais et Litec.
9. Inazumi, M.(2005). *Universal Jurisdiction in Modern International Law: Expansion of National Jurisdiction for Prosecuting Serious Crimes under International Law*, Vol. 19, Intersentia nv.
10. Jebberger, F. (2018). Towards a ‘complementary preparedness’ approach to universal jurisdiction – recent trends and best practices in the European Union, ISBN 978-92-846-3819-2 | doi:10.2861/81904 | QA-06-18-026-EN-N.
11. Kaldor, M. (2013). *In Defence of New War*, 2 Stability: Int’l J. of Security & Dev. Art 4.
12. Lasok, D.(1962). *The Eichmann Trial. International and Comparative Law Quarterly*, 11(2), 355-374.
13. Meron, T. (1999). *Crimes under the Jurisdiction of the International Criminal Court, in Reflections on the International Criminal Court* 47, 48 (Herman A.M. von Hebel, Johan G. Lammers & Jolien Schukking eds).
14. O’Sullivan, A. (2017). *Universal Jurisdiction in International Criminal Law-The Debate and the Battle for Hegemony*, First published, ISBN: 9781138123946 (hbk).
15. Robinson, M. (2001). *Foreword', The Princeton Principles on Universal Jurisdiction*. Princeton University Press, Princeton.
16. Rubin, A. (2000). *Actio Popularis, Jusm Cogens and Offences Erga Omenes*.(2001) 35 New England Law Review, 265; marc Henzelin, le Principe de l'Universalite en Droit pen'al International (Brussels).

B) Articles

17. Alfadhel, K. A.,(2017). M. Cherif Bassiouni. Chronicles of the Egyptian Revolution and its Aftermath: 2011-2016, *Asian Affairs*, 48:2, 359-361.
18. Broomhall, B. (2001). Toward U.S. Acceptance of the International Criminal Court, 64 *Law and Contemporary Problems* 141-151, Available at: <https://scholarship.law.duke.edu/lcp/vol64/iss1/6>.
19. Garrod, M. (2012). The Protective Principle of Jurisdiction over War Crimes and the Hollow Concept of Universality. *International Criminal Law Review* 12, 763–826.
20. Geneuss, J (2009). Fostering a Better Understanding of Universal Jurisdiction. 7 JICJ, 945.
21. Liesbeth Zegveld and Jeff Handmaker,(2012). *Universal Jurisdiction: State of Affairs*

-
- and Ways Ahead - A policy paper, *Leiden University School of Law and the ICCO Foundation*, ISSN 0921-0210.
22. Reydams, L. (2005). Belgium Reneges on Universality: The 5 August 2003 Act on Grave Breaches of International Humanitarian Law, 1 J. INT'L CRIM. JUST. 679, 679 (2003); Damien Vandermeersch, *Prosecuting International Crimes in Belgium*, 3 J. INT'L CRIM. JUST. 400, 401.
23. Roger, O' K. (2004). Universal Jurisdiction: Clarifying the Basic Concept', is a particularly powerful argument to this effect. *Journal of International Criminal Justice* 2, 735-760; See also Thomas Weigend, Grund und Grenzen Universalter Gerichtsbarkeit, in Jorg Arnold et al.
24. Safferling, C.(2011). *Internationales Strarecht*(Spriger) & 3 MN 46; as to the political difficulties with operating on the basis of universal jurisdiction in the European context.
25. Solera, Oscar,(2002), "Complementary jurisdiction and international criminal justice", Vol. 84, No845, p 145-171.

C) Document & Report

26. INGELSE, CHRIS,(2001), *THE UN COMMITTEE AGAINST TORTURE: AN ASSESSMENT* 329.
27. Statement by H.E. Mr. Abbas Bagherpour Ardekani Representative of the Islamic Republic of Iran, (11 October 2017), *The Sixth Committee of the 72nd Session of the United Nations General Assembly On: "The scope and application of the principle of universal jurisdiction"*, (Agenda Item 85), New York.